

## Victim Rights in the Criminal Enforcement Process: Focusing on the Code of Criminal Procedure and the Execution Regulations

**Hamed Rasoulkhani**

PhD student in Criminal Law and Criminology,  
Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran.  
(Corresponding author)  
Email: hamedrasolkhani@gmail.com

**Mohammad Ali Haji Dehabadi**

Associate Professor, Department of Criminal  
Law and Criminology, Faculty of Law, Qom  
University, Qom, Iran.  
Email: dr\_hajidehabadi@yahoo.com



### Abstract

In most cases, criminalization is pursued with the interests of the victims; however, some of their interests may be overlooked during the sentence execution phase. No person understands their own interests better than the victim, and it appears that this is the reason why they should be entrusted with certain authority in the execution of the sentence, enabling them to make decisions considering their own interests. The active role of the victim not only facilitates the reformation of the offender, but also ensures that the victim attains their legal rights.

This article, for the first time in Iran's legal literature, identifies the rights of victims in the execution phase of criminal sentences and examines the position of these rights within the laws related to the execution of sentences.

Journal of Research and  
Development in Criminal Law and  
Criminology

Iranian Law and Legal Research  
Institute

Vol. 1 | No. 1 | Spring and  
Summer 2024  
(Original Article)

[www.jclc.llrc.ac.ir](http://www.jclc.llrc.ac.ir)

DOI:

[10.22034/jclc.2024.718660](https://doi.org/10.22034/jclc.2024.718660)

This study employs a descriptive-analytical method, utilizing library sources and examining relevant laws, to address the problem of the victim's position in the sentence execution process. It recognizes rights such as compensation for damages, compensation for the costs of execution procedures, the right to have a lawyer during the execution phase, the right to security, and the right to active participation.

The research concludes that by integrating current laws and regulations, it is possible to acknowledge various rights for the victim and establish an arrangement that, under the principles of restorative justice, allows the victim to play a dynamic role.

**Keywords:** *Victim's Rights, Enforcement of Criminal Sentences, Restorative Justice, Rights to Security, Right to Participation, Right to Have a Lawyer.*



## حقوق بزه‌دیده در فرایند اجرای احکام کیفری با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری و آیین نامه نحوه اجرای احکام

حامد رسولخانی

دانشجوی دکترا حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، شهر قم، ایران. (نویسنده مسئول)  
Email: hamedrasolkhani@gmail.com

محمدعلی حاجی ده آبادی

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، شهر قم، ایران.  
Email: dr\_hajidehabadii@yahoo.com



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۱ | بهار و تابستان ۱۴۰۳  
(مقاله پژوهشی)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jclc.2024.718660

### چکیده

در اکثر مواقع، جرم‌انگاری با لحاظ مصالح بزه‌دیدگان انجام می‌شود، لکن در مرحله اجرای حکم ممکن است برخی از حقوق آنان مورد کم توجهی قرار بگیرد. هیچ فردی به اندازه خود بزه‌دیده مصلحت خود را نمی‌داند و به نظر می‌رسد به همین دلیل باید برخی اختیارات را در اجرای حکم به بزه‌دیده سپرد تا با ملاحظه مصلحت خویش تصمیم بگیرد. در صورت مدیریت صحیح، این امر ممکن است باعث اصلاح بزهکار شود و همچنین سبب اطمینان بزه‌دیده از رسیدن به حقوق قانونی خودش نیز خواهد شد. اکثر مطالعات بر حقوق بزه‌دیده در تحقیقات مقدماتی و نهایتاً صدور حکم توجه دارند در حالی که مرحله اجرا از اهمیتی حیاتی برخوردار است و حقوق بزه‌دیدگان در این مرحله کمتر مورد کنکاش قرار گرفته‌است. این مقاله برای نخستین بار در ادبیات حقوقی ایران، حقوق بزه‌دیدگان را در مرحله اجرای احکام کیفری مورد شناسایی قرار می‌دهد و سپس به جایگاه این حقوق در قوانین اجرای احکام می‌پردازد.

این مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با مطالعه قوانین به مسئله حقوق بزه‌دیده در فرایند اجرای احکام می‌پردازد و حقوقی همچون جبران خسارات وارده، جبران هزینه‌های تشریفات اجرای احکام، حق برخورداری از وکیل در مرحله اجرای حکم، حق بر امنیت و حق مشارکت فعال را برای بزه‌دیده به رسمیت می‌شناسد. این پژوهش در نهایت به این نتیجه می‌رسد که با کنار هم گذاشتن قوانین و آیین نامه‌های کنونی می‌توان حقوق مختلفی را برای بزه‌دیده به رسمیت شناخت اما باید ترتیبی را اتخاذ نمود که تحت آموزه‌های عدالت ترمیمی، بزه‌دیده نقشی پویا را ایفا نماید.

**کلیدواژه‌ها:** حقوق بزه‌دیده، اجرای احکام کیفری، عدالت ترمیمی، حقوق بر امنیت، حق بر داشتن مشارکت، حق بر داشتن وکیل.

## مقدمه

تا مدت‌ها نقش و جایگاه بزه‌دیده به عنوان یکی از ارکان پدیده مجرمانه در ادبیات حقوقی مورد توجه نبود. ظهور جنبش‌های مختلف در جرم‌شناسی سبب شد تا در نقش و جایگاه بزه‌دیده در فرایند دادرسی تجدید نظر شود. جنبش‌های مختلفی که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به وجود آمد تحولات بزرگی را در مواجهه با بزه‌دیدگان جرم در نظام عدالت جنایی برحسب جامعه خود رقم زدند. به عنوان مثال در جوامع اولیه، اعتقادی مبنی بر مداخله دولت‌ها در فرایند کیفری نبود و این موضوع یک مسئله فی ما بین مردم بود (tobolowsky et.al, 2016). در این جوامع بهترین رویکرد، چه بسا سیاست مقابله به مثل بود که در قوانینی همچون «چشم در برابر چشم» انعکاس یافته بود. در چنین شرایطی بزه‌دیدگان در واکنش به بزه، مجبور بودند تا تحقیقات لازم را خود انجام دهند یا شخص ثالثی را به جهت دستگیری مجرم استخدام نمایند و سپس از طرف خود طرح دعوا کنند. در این وضعیت بزه‌دیدگان شخصاً در پی دستیابی به عدالت بودند (کلونجر و همکاران، ۱۴۰۲؛ ۹۷).

عوامل مختلف اجتماعی سبب تحول در نظام عدالت جنایی شد و مفهوم جرم از یک مسئله فردی به یک مسئله اجتماعی تغییر ماهیت داد. در این زمان، اقدام مجرمانه به عنوان تعرض به جامعه شناخته شد و این امر سبب گردید تا دخالت دولت موجه شود. این امر شرایطی به وجود آورد که مسئولیت شخصی بزه‌دیده برای تحقیق و دادخواهی کمتر شود اما همچنان به بزه‌دیده جرم کمتر توجه می‌شد (همان).

بزه‌دیده‌شناسی از سال ۱۹۴۸ و از آثار «هانس فون هنتیگ» حیات خود را آغاز کرد. در این سال وی نگارش کتاب «مجرم و بزه‌دیده» را به اتمام رساند و برای نخستین بار از رابطه موجود بین بزه‌کار و بزه‌دیده و نظام عدالت کیفری سخن گفت و شناختی جدید در عرصه عدالت کیفری پدیدآورد (اختری، مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۸؛ ۴۲). بنیامین مندلسون در ادامه بزه‌دیده‌شناسی را علم «بزه‌دیدگان و بزه‌دیدگی» تعریف کرد و اظهار داشت که

«بزه‌دیده‌شناسی تمامی عوامل بزه‌دیدگی را تا حدی که جامعه علاقه‌ای به آنها دارد، در نظر می‌گیرد». تحقیقات بعدی در این رشته نشان داد که، رعایت حقوق بزه‌دیدگان از اهمیت چندانی برخوردار است (شیری، ۱۳۹۷؛ ۸۰)

واژه بزه‌دیده<sup>۱</sup> برگرفته از واژه لاتین (victima) است و اساساً دارای مفهوم قربانی است. عموماً اصطلاح بزه‌دیده به شخصی اشاره دارد که مستقیماً در اثر جرم متحمل آسیب شده است و شامل هر شخصی می‌تواند باشد (Cummins, 2016؛ 32). در یکی از بهترین تعاریف، سازمان ملل در قطعنامه ۴۰/۳۴ مجمع عمومی در تاریخ ۲۹ نوامبر بزه‌دیده را این‌گونه تعریف می‌کند: «بزه‌دیدگان افرادی هستند که به طور فردی یا جمعی، به علت فعل یا ترک فعلی که قانون کیفری لازم‌الاجرای کشور عضو را نقض می‌کند، از جمله قوانینی که سوء-استفاده کیفری از قدرت را منع می‌کند، آسیبی را، خصوصاً صدمه به تمامیت جسمانی یا روحی، یک رنج و آسیب روانی، یک فقدان مادی، یا صدمه مهم به حقوق بنیادی، متحمل شده‌اند...» (کاریو، ۱۴۰۱؛ ۹).

در اسلام نیز از واژگان متعددی برای اشاره به بزه‌دیده استفاده شده است. به نظر می‌رسد مفهوم بزه‌دیده در اسلام بسیار گسترده‌تر از معنای حقوقی آن است چه افزون بر اینکه از نظر اسلام بزه‌کار خود بزه‌دیده است به تناسب برخی از جرایم، اصطلاحی خاص وضع نمود که از جمله آنها می‌توان به مقتول، مصدوم و یا مقذوف اشاره نمود. همچنین اسلام نام بزه‌دیدگان جرایم خشن را مجنی‌علیه می‌گذارد. بزه‌دیده «مظلوم» نیز، فردی است که حقی از حقوقش مورد تجاوز قرار گرفته است (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۸؛ ۲۲۱-۲۲۲).

بزه‌دیده هر فرد با هر سن و سال، نژاد، قومیت و... را شامل می‌شود («بزه‌دیده‌شناسی»، مطالعه بزه‌دیده، شامل بزه‌کار و جامعه است. بزه‌دیده‌شناسی، روشی اجتماعی - ساختاری از مشاهده جرم و قانون و بزه‌کار و بزه‌دیده می‌باشد (برجس و دیگران، ۱۳۹۵؛

1. Victim.

۳۴-۳۳). از جمله مباحث بزه‌دیده‌شناسی نقش و جایگاه و حقوق متهم در فرایند دادرسی کیفری است. در ادبیات حقوقی، اصولاً هر زمانی که صحبت از دادرسی منصفانه می‌شود، تنها به حقوق متهم اشاره می‌شود و کمتر حقوق بزه‌دیدگان مورد بحث قرار می‌گیرد. به طور معمول نویسندگان تنها بر رعایت حقوق متهمان تاکید می‌کنند و دفاع از حقوق آنها را وظیفه خود می‌دانند. در همین راستا، اندک اندک، حقوق و جایگاه بزه‌دیده به فراموشی سپرده می‌شود. به عنوان یکی از ارکان فرایند دادرسی حفظ و رعایت حقوق بزه‌دیده نیازمند حمایت دوچندان است. در این لحظه است که ارزش کار «فون هانتینگ» نمایان می‌شود. احتمال آن می‌رود که قانون‌گذاران تنها حق مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی را تنها همان اعلام جرم بدانند و جایگاهی برای او در سایر مراحل دادرسی نشانند (410 Baumgartner, 2008). با تمام تردیدهای که برخی نویسندگان در خصوص مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی دارند، به نظر می‌رسد نظام عدالت کیفری تنها ملجا و پناهگاه بزه‌دیده است و هرگونه تضعیف جایگاه او در این فرایند می‌تواند آثار سویی به دنبال داشته باشد (بیات، خالقی، ۱۴۰۱؛ ۱۴۳).

وضعیت بزه‌دیدگان از گذشته تا به امروز تفاوت زیادی نموده است. در گذشته بزه‌دیده به عنوان فردی تلقی می‌شد که از خدمات دولتی بهره‌مند است، اما امروز او نقش بسیار گسترده‌تری دارد. در دنیای امروز، بزه‌دیدگان تشویق و یا حتی ملزم می‌شوند در فرایند صدور حکم و اجرای مجازات مداخله موثر کنند. یکی از اموری که در اعتراضات جنبش حقوق بزه‌دیدگان وجود داشت، لحاظ نکردن بزه‌دیدگان در فرایند عدالت کیفری بود. این اعتراضات در دهه ۱۹۷۰ سبب شد تا جایگاه بزه‌دیدگان پررنگ‌تر شود. در نظام‌های عدالت کیفری، عموماً بزه‌دیدگان به سه شیوه دخالت داده می‌شوند. حالت اول، کمترین حالت مداخله بزه‌دیدگان است که شامل، دادن اطلاعات در رابطه با روند دادرسی است. شیوه دوم آن است که به بزه‌دیده اجازه داده شود تماشای فرایند دادرسی باشد. آخرین

شیوه نیز آن است که به بزه‌دیده اجازه داده شود به طور رسمی در محاکمه سخن بگوید (دبلیو. وان‌نس و هتدرکس، ۱۳۹۷؛ ۱۱۰-۱۱۱).

امروزه همه انواع این مداخلات در سطح جهانی مورد توجه دولت‌ها می‌باشد. اصول دسترسی بزه‌دیده به عدالت، شرکت موثر در فرایند دادرسی کیفری و جبران زیان‌های وارد شده به او، نخستین بار در اعلامیه سازمان ملل راجع به اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت مصوب ۱۹۸۵ نمایان شدند (کوشا و پاک‌نیت، ۱۳۹۳؛ ۳۱). لکن توجه به حقوق بزه‌دیدگان نیازمند تصویب اسناد بین‌المللی‌ای بیش از سند ۱۹۸۵ سازمان ملل می‌باشد. ضرورت احساس نیاز به حمایت از بزه‌دیدگان و توجه جهانی به اصول مستحکم و آرمانی این اندیشه جدید، سازمان‌های بین‌المللی را وادار خواهد ساخت تا بیش از پیش به تصویب طرح‌ها و اسناد حمایت‌گرانه در این خصوص بپردازند (اختری و موذن‌زادگان، ۱۳۹۸؛ ۴۲). امروزه توجه به بزه‌دیده در ادبیات جنایی گسترش یافته است و بزه‌دیده از جمله کنشگرانی است که در بازپروری بزهکار نقش ایفا می‌کند. قرآن کریم نیز در آیه ۴۰ سوره مبارکه شوری برای بزه‌دیده نقش اصلاح‌گرانه در نظر می‌گیرد.<sup>۱</sup>

در همین راستا می‌باشد که قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲ جایگاه بزه‌دیده را در فرایند دادرسی کیفری به رسمیت شناخته و درصدد تعریف از او در ماده ۱۰ بر می‌آید.<sup>۲</sup> بر پایه همین مبانی و در راستای دست‌یابی به اهداف از پیش تعیین شده در رابطه با مداخله بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی کیفری، قانون‌گذار سال ۱۳۹۲، بر مشارکت بزه‌دیدگان در مراحل شروع به تحقیق، تحقیق، صدور حکم و اجرای مجازات اشاره نموده

۱. وَجَزَاءٌ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةً مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ.

۲. بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود.

است. با توجه به اینکه پرونده کیفری در مرحله اجرا با خاتمه خود مواجه می‌شود، حقوق بزه‌دیده باید پیش از پیش‌مورد توجه همگان باشد. در این مرحله است که بزه‌دیده طعم شیرین عدالت را چشیده و فرد خاطی مزه تلخ و گاهی شیرین اجرای مجازات را تجربه می‌کند. کیفیت اجرای مجازات است که می‌تواند نقشی بازدارنده برای مجرم دربر داشته باشد. در مرحله اجرا باید حقوق مجرم به گونه‌ای رعایت شود که مداخله‌ای با حقوق بزه‌دیده نداشته باشد.

موضوع و سؤال اصلی این پژوهش این است که آیا قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ و آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین مصوب ۱۳۹۸/۳/۲۶ حقوق بزه‌دیده در فرایند اجرای مجازات را به رسمیت می‌شناسند یا خیر؟ و در این راستا در مرحله اجرای مجازات، بزه‌دیده چه حقوقی را می‌تواند برای خود قائل باشد؟

## ۱. حقوق بزه‌دیدگان در مرحله اجرای احکام کیفری با تأکید بر آموزه‌های

### عدالت ترمیمی

بزه‌دیده‌گان باید فرصتی پیدا کنند تا در تعیین مناسب‌ترین راهی که بزه‌کار با آن اقدام به جبران آسیب می‌کند، مشارکت کنند. برخی پژوهشگران معتقدند بهترین شیوه برای دستیابی به این هدف، عدالت ترمیمی می‌باشد و بر مشارکت دادن داوطلبانه بزه‌دیده در فرایند عدالت کیفری تأکید می‌کنند (طالع‌زاری و حبیبی، ۱۳۹۶؛ ۱۰۶). این پژوهشگران در مطالعات خود اظهار می‌دارند که از جمله رویکردهایی که دستگاه عدالت کیفری را در رسیدن به اهداف خود کمک می‌کند، عدالت ترمیمی است، چرا که این رویکرد ضمن توجه به بزه‌دیدگان، امکان مشارکت آنان را در فرایند بازپروری بزه‌کاران به وجود می‌آورد. میزر و همکارانش عدالت ترمیمی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «عدالت ترمیمی به معنای

تمهیداتی است که با هدف اعطای فرصتی به بزه‌دیدگان طراحی می‌شوند تا از آن طریق، بزهکار را از میزان تاثیر جرمش بر بزه‌دیده و خانواده او مطلع سازند و همچنین بزهکاران تشویق شوند تا مسئولیت عمل خویش را بپذیرند و به جبران خساراتی که وارد کرده‌اند، بپردازند. اهداف کلی این پدیده، کاهش بزهکاری مجدد و اصلاح رابطه و همچنین بهبود تجربه‌های بزه‌دیده در مورد نظام عدالت کیفری است» (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۸؛ ۲۱۲).

عدالت ترمیمی شیوه‌ای است که برای بزه‌دیده، فرصت و امکان به دست آوردن امنیت دوباره و جبران آسیب را فراهم می‌کند. طرفداران عدالت ترمیمی معتقدند در فرایندهای رسمی عدالت کیفری به نقش بزه‌دیده توجه چندانی نمی‌شود. با وجود آنکه اصلاحاتی در درون نظام عدالت کیفری در جهت ارتقا نقش بزه‌دیده صورت گرفته است، ولی این اصلاحات قادر نبوده‌اند بزه‌دیده را به یک کنشگر فعال تبدیل کنند. این امر به این دلیل است که ساختار نظام عدالت کیفری، برداشت خاصی از بزه دارد و پاسخ‌های سنتی به بزه را که همان تنبیه و کیفر است دنبال می‌کند. برای آنکه تغییر اساسی در این ساختار به وجود آید، باید مجدداً تعریفی از بزه ارائه گردد تا در وهله اول جرم را ناقص حقوق افراد دانسته و سپس ماهیتی ترمیمی در پاسخ‌ها به وجود آورد (طالع‌زاری و حبیبی، ۱۳۹۶؛ ۱۰۶).

جرم نه تنها سبب آن می‌شود که رابطه بزه‌کار با جامعه قطع شود، بلکه منجر خواهد شد بزه‌دیده نیز حضور موثری را در جامعه تجربه نکند. به همین دلیل اعمال تدابیری که سبب شود بزه‌دیده به جامعه باز گردد، اهمیت زیادی دارد. نهادهای مدنی و دولت‌ها باید توجه بیشتری در پذیرش بزه‌دیدگان در جامعه نمایند، تا آنها هر چه سریع‌تر حقوق خود را بازستانند (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۸؛ ص ۲۱۳). معتقدین به عدالت ترمیمی اظهار می‌دارند باید الگوهای حاکم بر نظام عدالت کیفری تغییر نمایند و در فرایند اجرای عدالت، نقشی

محور گونه به بزه‌دیده داده شود. از نظر آنان، مقدم بر تنبیه و کیفر بزهکار، جبران خسارت- های وارده بر بزه‌دیده است (زینالی و مقدسی، ۱۳۹۲؛ ۱۸۴-۱۸۵). با توجه به مباحث مطرح شده قانون‌گذاران باید ضرورت حمایت موثر در فرایند دادرسی و خصوصاً در مرحله اجرای احکام را بپذیرند. قوانینی که برای حمایت از بزه‌دیده تصویب می‌شود باید هم به طور شکلی و هم به طور ماهوی حقوق بزه‌دیده را در جبران خسارت در نظر بگیرد. مهم‌ترین مرحله‌ای که باید مورد توجه قانون‌گذاران باشد، مرحله اجرای حکم می‌باشد. چرا که در این مرحله است که بزه‌دیده خساراتش جبران می‌شود و مجدداً همانند آنچه که بود در جامعه به حیات خویش ادامه می‌دهد. در جهت فهم بهتر بحث، نیاز است که حقوقی که بزه‌دیده در مرحله اجرای احکام دارد و یا می‌تواند داشته باشد مورد توجه قرار بگیرد.

#### ۱-۱. حق بر پرداخت غرامت خسارت‌های وارده بر بزه‌دیده

ابتدایی‌ترین حقی که بزه‌دیده در مرحله اجرای احکام می‌تواند داشته باشد حق جبران خسارات وارد شده به او می‌باشد. جبران خسارت از بزه‌دیدگان می‌تواند زمینه‌ساز اعتبار بخشیدن به شهروندان باشد. در این راستا بزه‌دیده دارای دو حق عمده می‌باشد. اول آنکه هزینه‌های وارد شده بر بزه‌دیده را باید سیستم عدالت کیفری متقبل شود. دوم آنکه سیستم عدالت کیفری باید به دنبال جبران ضرر و زیان وارده به بزه‌دیده باشد (آشوری و خدادی، ۱۳۹۰؛ ۲۵). این جبران خسارت تنها به جبران ضرر و زیان‌های وارد شده از جانب جرم خلاصه نمی‌شود، بلکه فراتر از آن، به جبران خسارات روانی و آسیب‌های متعدد جرم مربوط می‌شود (Lopez, 2007: 17).

پرداخت غرامت‌های ناشی از جرم از سوی بزهکار یا دولت، یکی از نیازهای اساسی بزه‌دیدگان است. برخی پژوهشگران این پرداخت غرامت را نوعی ارزش نمادین می‌دانند. یان فن دیجک نظر خود را این‌گونه اعلام می‌کند: «تعهد پرداخت غرامت به وسیله بزهکار

... برای بزه‌دیده اهمیت نمادین فراوانی، که بسیار بیشتر از ارزش پولی آن است، دارد. تحمیل وظیفه پرداخت غرامت، در حکم دعوت بزهکار به موافقت با بزه‌دیده از این بابت است که بزهکار در اشتباه بوده است. چنین حرکتی می‌تواند به ترمیم حس از هم‌پاشیده بزه‌دیده در مورد عدالت و احساس اجتماعی کمک کند. پرداخت غرامت بزه‌دیده توسط بزهکار، یک احساس امنیت مناسب در بزه‌دیده به وجود می‌آورد. این احساس امنیت بزه‌دیده را قادر می‌سازد تا روابطش را با بزهکار و جامعه بازآفرینی کند و به موقعیت سابق بازگردد (طالع‌زاری و حبیبی، ۱۳۹۶؛ ۱۲۷).

امروزه روشهای نوینی برای جبران خسارات بزه‌دیده در نظام‌های حقوقی دنیا در نظر گرفته شده است، که از جمله آنان می‌توان به مشروط کردن تخفیف مجازات به جبران خسارات بزه‌دیده، تعلیق اجرای مجازات، تعلیق صدور حکم و آزادی، مشروط به جبران خسارات وارده اشاره نمود. نکته مهمی که در این خصوص وجود دارد آن است که حق بر جبران خسارات وارده، از لحظه آغاز ورود بزه به بزه‌دیده ایجاد شده است لکن در برخی موارد، ممکن است مجرم فرار کند، فوت نماید و یا در فرض دیگری اصلاً استطاعت مالی برای جبران خسارت‌هایی که وارد کرده است نداشته باشد. در حالت‌های مطرح شده ممکن است بدون آنکه از بزه‌دیده جبران خسارت شود، مجرم رها شود. در این حالت‌ها ممکن است تنها از عده کمی از بزه‌دیدگان جبران خسارت شود و بسیاری از آنان با ناتوانی بزهکار در جبران خسارت مواجه شوند. در صورتی که بزهکار دستگیر شده دارای ملاتت مالی خوبی نیز باشد، طولانی بودن مراحل دادرسی و طولانی بودن روند اثبات جرم، سبب تاخیر در پرداخت خسارات بزه‌دیده می‌شود که این امر خود سبب مشکلاتی مضاعف می‌شود (آشوری، خدادی، ۱۳۹۰؛ ۲۸-۲۹).

به نظر می‌رسد پرداخت غرامت باید حتی الامکان توسط خود بزهکار انجام شود و پرداخت توسط بیت المال در مرحله آخر باشد. چرا که از نظر پژوهشگران عدالت ترمیمی، این

پرداخت غرامت توسط بزهکار است که سبب التیام بزه‌دیده می‌شود. در فرایند عدالت ترمیمی، پرداخت غرامت، ماهیتی غیر تنبیهی دارد چرا که پرداخت غرامت، امری داوطلبانه بوده است (طالع‌زاری و حبیبی، ۱۳۹۶؛ ۱۲۸).

## ۱-۲. حق بر جبران هزینه‌های تشریفات اجرای احکام

احکام متعدد کیفری هر کدام هزینه‌های مختلفی را ممکن است بر بزه‌دیده تحمیل کنند. به عنوان مثال هر یک از مجازات‌های اسلامی مانند اجرای قصاص، شلاق و ... می‌توانند تشریفات هزینه‌ساز برای بزه‌دیده در برداشته باشند. تحمیل هزینه‌های این تشریفات بر بزه‌دیده می‌تواند سبب آسیب‌های روانی و اجتماعی گوناگون شود. تحمیل چنین هزینه‌هایی بر بزه‌دیدگان ممکن است سبب شود تا بسیاری از قربانیان فقیر از اجرا نمودن حق خود منصرف شوند و مجرمان از کیفر خود رهایی پیدا کنند.

در این راستا، کمک به بزه‌دیده در راستای پرداخت هزینه‌های تشریفات اجرای احکام کیفری، می‌تواند جلوه‌گر حمایت جامعه و سیستم عدالت کیفری یک کشور از او باشد. بیشتر بزه‌دیدگانی که نیازمند کمک مالی و مادی ضروری هستند، از اقشار کم توان جامعه هستند، که تحمیل چنین هزینه‌هایی به ایشان می‌تواند اختلالاتی را در زندگی معمول ایشان ایجاد کند. در این راستا کمک‌هایی که به بزه‌دیدگان می‌شود، ارزشمند خواهد شد. این هزینه‌ها می‌توانند شامل هزینه‌های رفت و آمد به مراکز بهداشتی و درمانی، زندان، دادرسی‌های مختلف و یا هزینه‌های بازگرداندن شرایط به حالت نخست و... باشد (آشوری و خدادی، ۱۳۹۰؛ ۲۵).

به همین دلیل در نظریه عدالت ترمیمی به این امور توجه شده است. در این نظریه بزهکار به علت خطایی که انجام داده است باید هزینه‌های بزه‌دیده را جبران نماید و با این عمل اثبات کند که از اعمال خود پشیمان شده است. بر مبنای این نظریه، بزهکار باید هزینه‌هایی همانند هزینه‌های رفت و آمد بزه‌دیده، مداوا، هزینه‌های مشارکت در فرایند عدالت

کیفری مانند، حضور در جلسات مختلف دادرسی، هزینه‌های مربوط به رفت و آمد بزه‌دیده، هزینه‌های مربوط به درمان بزه‌دیده را پرداخت کند و این پرداخت‌ها از جمله حقوق بزه‌دیده است (فتاح و همکاران، ۱۳۷۱؛ ۸۵-۱۱۲).

### ۱-۳. حق برخوردار بودن از وکیل در مرحله اجرای حکم

با لحاظ این نکته که فرایند اجرای احکام کیفری امری پیچیده و نیازمند تخصص حقوقی است، بزه‌دیدگان حق دارند از یک وکیل، حمایت شوند. جمعیت زیاد بزه‌دیدگان جرایم کیفری، به دنبال آن هستند که از اجرای صحیح احکام کیفری و رسیدن به حقوق خود مطمئن باشند. به همین دلیل است که آیین دادرسی کیفری سعی می‌کند تا با ایجاد بسترهای مناسب و ایجاد فرصت بهره‌مندی از وکیل مشارکت قربانیان را عملی سازد. وکلا نیز فرصتی پیدا می‌کنند تا با استفاده از این حق بزه‌دیده، نقشی فعال را در حمایت از بزه‌دیدگان ایفا کنند و آنان را در رسیدن به حق و حقوق خود یاری نمایند (خداخواه، ۱۳۹۷؛ ۱۵۸).

قانون‌گذار ایرانی نیز در ماده ۳۳ و بند چ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین مصوب ۱۳۹۸/۳/۲۶ حق استفاده از وکیل را در مرحله اجرای مجازات نیز به رسمیت شناخته است. در آیین دادرسی کیفری این حق در مواد ۵، ۶، ۴۸ و ۱۹۰ مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین در اصل ۳۵ قانون اساسی این حق به رسمیت شناخته شده است.<sup>۱</sup> این اصل به شکلی عام برای همه طرفین دعوا در تمامی مراحل رسیدگی و خصوصاً اجرای حکم حق انتخاب وکیل را مفروض دانسته است.

۱. اصل ۳۵ قانون اساسی: در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

#### ۱-۴. حق داشتن امنیت

یکی از آثار مهمی که بزه‌دیدگی در پی دارد، پیدایش احساسی است که ناامن بودن را به فرد القا می‌کند. هنگامی که احکام کیفری شدید در حال اجرا هستند خطر تهدید و انتقام، بزه‌دیدگانی که به دفاع از حقوق خود به‌پا خواسته‌اند را تهدید می‌کند. این خطر ممکن است در برخی موارد فراتر رفته و خانواده و نزدیکان بزه‌دیده را تهدید کند. اقدامات و سیاست‌های قانون‌گذار باید تضمین‌کننده امنیت برای بزه‌دیدگان و اطرافیان‌شان باشد، به طوری که در محیطی امن و با اطمینان خاطر از همه موارد اقدام به احقاق حق کنند و اجرای حکم را مطالبه نمایند. تامین امنیت بزه‌دیدگانی که اجرای احکام کیفری را مطالبه می‌کنند، روشی مطمئن به جهت پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی است (خداخواه، ۱۳۹۷: ۱۶۰).

طرفداران نظریه عدالت ترمیمی نیز اهمیت خاصی برای امنیت بزه‌دیده قائل هستند. در این نظریه شناسایی نوع آسیب‌های وارده بر بزه‌دیده اهمیت خاصی دارد. بزه‌دیده ممکن است به جهت آسیب‌های وارده احساس ناامیدی، ترس و تنهایی داشته باشد. کسی که مورد تجاوز قرار می‌گیرد و یا یکی از نزدیکان او به وسیله بزه‌کار کشته یا مجروح می‌شود، عدم احساس امنیت تمام وجود او را احاطه می‌کند. چنین آسیب‌هایی با پرداخت غرامت قابل جبران نیستند. به نظر می‌رسد تا زمانی که بزه‌کار یک طرفه وارد دادرسی شود و با بزه‌دیده رو به رو نشود، نمی‌توان انتظار داشت بزه‌دیده احساس امنیت کند. اگر بزه‌دیده یک کنشگر فعال در فرایند دادرسی و اجرای حکم نباشد، امنیت خود را همچنان در حال خطر می‌بیند (طالع‌زاری و حبیبی، ۱۳۹۶: ۱۳۰).

به طور عملی در ایران، تامین امنیت بزه‌دیده موضوعی است که باید توسط چند نهاد پیگیری شود که از جمله آنها می‌توان به دادستانی، واحد اجرای احکام، شعبه محاکمه و تحقیق و سازمان زندان‌ها اشاره نمود. واحد اجرا باید امنیت بزه‌دیدگان و همه شهود و

مطلعین را پیش از محاکمه و همچنین بعد از محاکمه تضمین نماید. واحد اجرا باید قبل از اجرای حکم و در جهت پیشگیری از افشای اطلاعات حساس و اتخاذ اقدامات امنیتی (همانند زمانی که قصاص اجرا می‌شود)، جلساتی را برگزار کند. مطابق ماده ۴۳ در مجازاتی مانند قصاص، قاضی اجرای احکام کیفری مسئول برقراری امنیت صحنه قصاص می‌باشد.<sup>۱</sup>

### ۱-۵. حق مشارکت فعال در روند اجرایی مجازات

در نظام‌های سنتی عدالت کیفری، بزه‌دیده با وجود آنکه متحمل آسیب می‌گردد، تنها نقش یک تماشاچی را دارد و این نقش منفعل او، سبب می‌شود تا در فرایند عدالت کیفری، نادیده گرفته شود. در چنین حالتی بزه‌دیده نقشی در اتخاذ تصمیم‌ها ندارد. در دو دهه گذشته سعی شده است تا در این نقش بازنگری شود و نقشی فعال برای بزه‌دیده در نظر گرفته شود و در برخی امور تصمیم‌گیرنده اصلی باشد. در نظر گرفتن تمایلات و منافع بزه‌دیدگان یا خانواده‌های آنان در منشور بزه‌دیده، نقشی مهم در تطبیق بزه‌دیدگان با فرایند عدالت کیفری دارد. در فرایند کیفری، دادستان خود را جانشین بزه‌دیده قرار می‌دهد و ابتکار عمل را به دست می‌گیرد. لکن در دیدگاه‌های نوین عدالت کیفری مانند عدالت ترمیمی بزه‌دیده در جایگاه اصلی خود قرار می‌گیرد و به عنوان یک کنشگر فعال معرفی می‌شود. در این دیدگاه، بزه‌دهنده، از حقوق خود دفاع می‌کند، مجدداً اعتماد به نفس خود را کسب می‌کند و نیازهای خود را بیان می‌کند. در نظام عدالت کیفری سنتی

---

۱. ماده ۴۳ آیین‌نامه: قاضی اجرای احکام کیفری حداقل چهل و هشت ساعت پیش از اجرای مجازات سالب حیات، مراتب را به مقامات و اشخاص زیر اطلاع داده تا جهت انجام وظیفه محوله در محل اجرای حکم حاضر شوند: الف - قاضی صادرکننده حکم بدوی در صورتی که حضور وی به موجب قانون لازم باشد؛ ب - رئیس زندان یا معاون وی برای تهیه مقدمات اجرای حکم و حفظ نظم محل اجرا؛ پ - فرمانده انتظامی محل یا معاون وی به منظور حفظ نظم محل اجرا و همکاری با مقامات زندان برای تهیه مقدمات اجرا و اجرای مجازات؛ و ...

بزه‌دیده از خود اختیاری ندارد و دائماً احساس می‌کند، کمترین حق را در مداخله دارد. در حالی که در نظام کیفری مبتنی بر عدالت ترمیمی، تمایل پژوهشگران به آن سمت است که بزه‌دیده باید قدرت مشارکت فعال داشته باشد. یکی از پژوهشگران اعتقاد دارد حس آزادی توسط بزه‌کار ربوده شده است و بزه‌دیده نیازمند آن است که این قدرت به وی بازگردد. بسیاری از بزه‌دیدگان فرایندی را انتخاب می‌کنند که خود در آن بتوانند مداخله داشته باشند (طالع زاری و حبیبی، ۱۳۹۶؛ ۱۲۴-۱۳۰).

در یک پژوهش آثار سوء نظارت بزه‌دیده بر اجرای مجازات مطرح شده است. در این پژوهش نتیجه‌گیری می‌شود مشارکت بزه‌دیده ممکن است سبب آزار و اذیت و تهدید بیشتر نسبت به مجرم شود (Hepner، 2014؛ 22). مشارکت فعال بزه‌دیدگان در فرایند اجرای حکم در نظام حقوقی ایران محل بحث و بررسی می‌باشد و در مطالعات حقوقی مغفول مانده است. برخی اعتقاد دارند اگر بزه‌دیده بر اجرای مجازات‌هایی مانند شلاق یا قصاص نظارت کند، ممکن است سبب شود مجازات شدیدتر اجرا شود. برخی نیز ممکن است پیچیده‌تر شدن اجرای حکم را در اثر مداخله بزه‌دیده مطرح کنند. اضافه شدن بزه‌دیده به اجرای مجازات سبب می‌شود تا سازماندهی اجرای مجازات روند طولانی‌تری را تجربه کند.

با این حال، عده دیگری کاملاً موافق مداخله بزه‌دیده هستند. این نویسندگان معتقدند اگر چه ممکن است برخی از بزه‌دیدگان نقشی تنبیهی برای بزه‌کار ایفا کنند اما معمولاً این چنین نیستند. از نظر آنان، حتی اگر بزه‌دیدگان مشارکت فعالی در روند اجرای حکم داشته باشند، رعایت انصاف و عدالت بر عهده نظام عدالت کیفری می‌باشد و این دستگاه عدالت است که باید در مدار برابری حرکت کند (زینالی و مقدسی، ۱۳۹۲؛ ۱۸۴-۱۸۵).

## ۲. نقش بزه‌دیده در اجرای حبس‌های تعزیری

در حبس‌های تعزیری باید این نکته را حائز اهمیت بدانیم که در نظام حقوقی اسلام و ایران جرایم به دو دسته حق الله و حق الناس تقسیم می‌شوند.<sup>۱</sup> گذشت بزه‌دیده در هر کدام از این موارد دارای آثار مختص به خود می‌باشد. چنانچه در یک جرم غیر قابل گذشت (حق الله) که مرتکب به حبس تعزیری محکوم شده است، بزه‌دیده رضایت دهد، این رضایت مطابق ماده ۳۷ و ۳۸<sup>۲</sup> قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ تنها می‌تواند سبب تخفیف در مجازات باشد.<sup>۳</sup> هر چند قانون‌گذار در مورد خاصی حکم با معافیت به کیفر داده است. اگر حبس تعزیری از جمله جرایمی باشد که در درجات ۸ و یا ۷ بگنجد، در صورت گذشت بزه‌دیده مطابق ماده ۳۹ حکم به معافیت از کیفر صادر می‌شود.<sup>۴</sup> در

۱. ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری: محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم که دارای جنبه الهی است، می‌تواند دو حیثیت داشته باشد: الف- حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی ب- حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین.

۲. جهات تخفیف عبارتند از: الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

۳. ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی: (اصلاحی ۲۳/۰۲/۱۳۹۹) - در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند: الف - تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازات‌های درجه چهار و بالاتر؛ ب - تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه؛ پ - تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار؛ ت - تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال؛ ث (الحاقی ۲۳/۰۲/۱۳۹۹) - تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر؛ تبصره (الحاقی ۲۳/۰۲/۱۳۹۹) - چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود.

۴. ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی: در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری موثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می‌تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند.

نتیجه حتی در جرایم که تنها با حق الله رو به رو هستیم بزه‌دیده می‌تواند نقش فعال و سازنده را ایفا کند و سبب اصلاح و تربیت مرتکب جرم شود. تمامی جرایم مطابق ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری دارای جنبه حق الهی هستند، لکن در برخی جرایم قانون‌گذار جنبه حق الناسی را غالب دانسته است و این جرایم مطابق ماده ۹<sup>۱</sup> قانون آیین دادرسی کیفری با درخواست بزه‌دیده تعقیب می‌شوند و در صورت رضای وی تعقیب موقوف می‌شود. در این گونه از جرایم چنانچه در هنگام اجرای مجازات حبس تعزیری و یا حتی در هنگام اجرای محکومیت‌های مالی و یا شلاق تعزیری، بزه‌دیده جرم رضایت دهد، قاضی اجرای احکام کیفری مطابق ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری قرار موقوفی اجرا صادر خواهد کرد.<sup>۲</sup>

همان گونه که ملاحظه می‌شود بزه‌دیده در اجرای حبس‌های تعزیری می‌تواند نقش بسیار فعالی را ایفا کند. در حبس‌های تعزیری که ریشه حق الهی دارد می‌تواند سبب تخفیف شود و در جرائم حق الناسی می‌تواند اجرای حبس را متوقف کند. همچنین بزه‌دیده می‌تواند جبران خسارات‌های خود را وجه المصلحه قرار دهد و یا انجام کارهای عام المنفعه را شرط رضایت خود قرار دهد.

### ۳. نقش بزه‌دیده در اجرای مجازات قصاص سالب حیات

مهم‌ترین آیین‌نامه‌ای که در رابطه با نحوه اجرای قصاص وجود دارد آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین مصوب ۱۳۹۸/۳/۲۶

---

۱. ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی: ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوی شود: الف - دعوی عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی ب - دعوی خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه‌دیده است مانند حد قذف و قصاص

۲. ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری: در مواردی که مطابق مقررات، اجرای رای موقوف می‌شود، قاضی اجرای احکام کیفری قرار موقوفی اجرا صادر می‌کند.

می‌باشد. این آیین نامه زین پس با نام مختصر آیین نامه یاد می‌شود. اساس اجرای قصاص سالب حیات مطابق ماده ۳۳ آیین نامه درخواست اولیای دم می‌باشد.<sup>۱</sup> مطابق ماده فوق الذکر تنها در صورت درخواست اولیای دم است که قصاص اجرا می‌شود و در صورتی آنان درخواست نکنند هیچ قصاصی اجرا نمی‌شود. مطابق بند چ ماده ۴۳۲ آیین نامه فوق الذکر قاضی اجرای احکام حداقل ۴۸ ساعت پیش از اجرای حکم سالب حیات باید زمان اجرای مجازات را به اولیای دم مقتول یا وکیل یا نماینده آنها در اجرای قصاص اطلاع دهد. همچنین در فرض نادری که فرد محکوم به قصاص نفس پس از اجرای قصاص زنده مانده باشد؛ مجدداً حق اجرای قصاص برای اولیای دم محفوظ می‌ماند و با درخواست ایشان مطابق ماده ۴۸ قصاص مجدد اجرا می‌شود.<sup>۳</sup> همان گونه که ملاحظه می‌گردد تمامی روند اجرایی قصاص سالب حیات در ید اولیای دم می‌باشد و این مجازات تنها با درخواست آنها اجرا می‌شود. مضافاً اینکه خود آنان نیز مجزی اجرای مجازات می‌باشند و در صورتی که

۱. ماده ۳۳: اجرای قصاص نفس با درخواست اولیای دم و پس از طی مراحل استیذان و اذن مقام رهبری یا نماینده او صورت می‌پذیرد.

۲. ماده ۴۳: قاضی اجرای احکام کیفری حداقل چهار و هشت ساعت پیش از اجرای مجازات سالب حیات، مراتب را به مقامات و اشخاص زیر اطلاع داده تا جهت انجام وظیفه محوله در محل اجرای حکم حاضر شوند: چ - اولیای دم مقتول یا وکیل یا نماینده آنها در اجرای قصاص نفس.

۳. ماده ۴۸: چنانچه پس از اجرای حکم اعدام یا قصاص نفس، مرگ قطعی محکوم به تأیید پزشک حاضر در محل نرسد یا حیات وی احراز شود، اجرای حکم تا سلب کامل حیات ادامه می‌یابد. در صورتی که مرگ محکوم به تأیید پزشک حاضر برسد و سپس حیات وی احراز گردد، حکم اعدام اجرا می‌شود و در قصاص نفس با درخواست اولیای دم، محکوم مجدد قصاص می‌شود. در فرض اخیر چنانچه ولی دم قاتل را به گونه‌ای که جایز نیست قصاص کرده باشد و نحوه قصاص منتهی به آسیب محکوم شده باشد، قاضی مجری حکم مفاد ماده (۴۳۸) قانون مجازات اسلامی در خصوص حق متقابل قاتل بر قصاص عضو یا جرح را به طرفین تفهیم می‌کند. هرگاه ولی دم بر اجرای قصاص اصرار داشته باشد، به شرح ذیل اقدام می‌شود:

الف - اگر محکوم از استیفای حق خود منصرف شود، قصاص نفس مجدداً اجرا می‌شود؛  
ب - اگر محکوم متقاضی قصاص عضو یا جرح باشد، قاضی اجرای احکام کیفری پیش از اجرای مجدد قصاص نفس پرونده را برای تعیین تکلیف به مرجع ذی صلاح ارسال می‌کند.

هیچ کدام از صاحبان حق قصاص در روز و محل قصاص حاضر نشوند مطابق ماده ۷۰ آیین نامه اجرای قصاص به تأخیر می‌افتد.<sup>۱</sup>

در رابطه با اصل قصاص در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارند. مفسران قرآن این آیات را به دو بخش عمده مقابله به مثل و خود قصاص تقسیم نموده‌اند. اسلام از سال‌ها پیش بر نقش بزه‌دیده در واکنش به جرم تأکید کرده است. در قرآن کریم، و در سنت علمای اسلام و در نظرات اندیشمندان اسلام، در خصوص موضوع قصاص بسیار توصیه به عفو شده است. توافق بزه‌دیده با مرتکب سبب خواهد شد تا مرتکب دیه پرداخت کند و بزه‌دیده نیز می‌تواند دیه را در موردی که صلاح می‌داند، مصرف کند. مضافاً اینکه با تصالح بر دیه، محکوم به قصاص از این مجازات‌رهایی می‌باید و فرصت زندگی را مجدداً کسب می‌نماید. قرآن کریم نیز به صراحت در آیه ۱۷۸ سوره بقره اولیای دم را توصیه به بخشش کرده است<sup>۲</sup> (حسینی و موسوی بایگی، ۱۳۹۲؛ ۴).

۱. ماده ۷۰: «پس از صدور اذن به قصاص نفس از سوی ولی امر یا مقام ماذون از طرف وی، قاضی اجرای احکام کیفری صاحبان حق قصاص را برای اجرای قصاص در زمان مشخص دعوت می‌کند. مباشرت در اجرای قصاص با صاحبان محق است. آنان می‌توانند به منظور اجرای حکم شخصاً حاضر شده یا به یکی از اولیای دم یا شخص دیگر نیابت دهند.

تبصره - چنانچه هیچ یک از صاحبان حق قصاص یا نایب آنان در روز اجرا و در ساعت تعیین شده حضور نیابند اجرای حکم به تأخیر می‌افتد. در صورت عدم حضور آنان بدون عذر موجه در نوبت دوم و با امتناع از اجرای قصاص بدون عذر موجه، قاضی اجرای احکام کیفری در اجرای ماده (۴۲۹) قانون مجازات اسلامی مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به دادگاه اعلام می‌کند.»

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بِغَدَاةٍ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ: ای اهل ایمان بر شما حکم قصاص کشتگان چنین معین گشت که مرد آزاد در مقابل مرد آزاد، و بنده را به جای بنده، و زن را به جای زن قصاص نتوانید کرد. و چون صاحب خون از قاتل که برادر دینی اوست بخواهد درگذرد کاری است نیکو، پس قاتل دیه را در کمال خشنودی ادا کند. در این حکم، تخفیف (امر قصاص) و رحمت خداوندی است، و پس از این دستور، هر که تجاوز کند او را عذابی سخت خواهد بود.

در قصاص سالب حیات ولی دم می‌تواند مرتکب را مورد عفو بخشش قرار دهد. اولیای دم ممکن است عفو را معوض به عوضی کنند و یا بدون عوض مرتکب را ببخشند. چنانچه اولیای دم به صورت مشروط یا معلق از قصاص نفس گذشت کرده باشند، مطابق ماده ۷۴ آیین نامه اجرای قصاص تا قطعی شدن نتیجه گذشت یا مصالحه به تاخیر می‌افتد.<sup>۱</sup> مطابق ماده ۶۳ آئین نامه در صورت گذشت منجز و قطعی همه صاحبان حق قصاص، اجرای قصاص منتفی می‌شود.<sup>۲</sup> همچنین است که اجرای قصاص نفس نیز منوط به تقاضای کتبی اولیای دم می‌باشد و بدون تقاضای این افراد قصاص اجرا نخواهد شد.<sup>۳</sup> این موضوعات اساساً به نقش فعال بزه‌دیده در فرایند اجرای حکم قصاص اشاره دارد. در خصوص دست یابی به عفو می‌توان از روش‌های عدالت ترمیمی بهره جویی نمود. برگزاری نشست‌های گروهی و خانوادگی ما بین اولیای دم و بزه‌دیده قادر است زمینه بسیار مناسبی برای رسیدن به یک توافق همه جانبه فراهم کند. در این گونه روش‌ها بزه‌دیدگان قادر هستند نقش بسیار فعال و مثبتی را ایفا کنند. صحبت‌هایی که فی مابین اولیای دم و

۱. ماده ۷۴: «چنانچه ولی دم پیش از اجرای قصاص نفس به صورت مشروط یا معلق از قصاص نفس گذشت کرده باشد، اجرای قصاص تا قطعی شدن نتیجه گذشت یا مصالحه به تاخیر می‌افتد. در صورت حصول توافق، چنانچه محکوم به جهت دیگری بازداشت نباشد، آزادی وی منوط به سپردن وثیقه مناسب می‌باشد. در صورت تحقق شرط یا معلق علیه قاضی اجرای احکام پرونده را به منظور تعیین مجازات تعزیری به دادگاه ارسال می‌کند. هرگاه قطعی شدن گذشت مشروط یا معلق منوط به سپری شدن مدت زمان معین باشد، پس از انقضای مدت مذکور نیز به شرح فوق اقدام می‌شود.»

۲. ماده ۶۳: «در صورت گذشت قطعی و منجز همه صاحبان حق قصاص، قاضی اجرای احکام کیفری مراتب را صورت مجلس کرده و در اجرای ماده (۴۴۷) قانون مجازات اسلامی پرونده را جهت تعیین تکلیف نسبت به جنبه عمومی جرم به دادگاه صادرکننده رای بدوی ارسال می‌دارد.»

۳. ماده ۶۵: «اجرای قصاص منوط به استیفای آن از ناحیه کسانی است که طبق قانون مجازات اسلامی ولی دم محسوب می‌شوند و یا حق استیفای قصاص را دارا هستند. قاضی اجرای احکام کیفری پیش از اجرای قصاص درخواست کتبی افراد مذکور را اخذ، مراتب را صورت مجلس نموده و برای درج در پرونده به امضای آنان می‌رساند. تبصره - در صورت عدم مراجعه ولی دم برای استیفای قصاص بدون عذر موجه یا ناتوانی وی از پرداخت فاضل دیه و یا به جهت انتظار برای بلوغ با افاقه ولی دم، مطابق ماده (۴۲۹) قانون مجازات اسلامی اقدام می‌شود.»

بزهکار می‌شود، مشاهده حالات روانی بزهکار، اظهار ندامت و پشیمانی، معذرت خواهی از اولیای دم، سعی در جبران خسارات بزه‌دیده، شرح حادثه به ویژه در هنگامی که خود بزه‌دیده نیز در وقوع قتل نقش داشته است، استفاده از میانجیگرهای ماهر و متخصص از جمله این روش‌ها می‌باشد (نیازی آبکوه و ابوئی، ۱۳۹۴: ۹-۱۰). لازم به ذکر است که با صدور حکم اولیه، اجرای مجازات قطعی نیست و اجرای این مجازات همچنان تابع اراده بزه‌دیده است و بدین جهت است که مرحله اجرا موضوعیت دارد.

در نتیجه، در کنار حق قصاص که برای بزه‌دیده وجود دارد، حق دیگری به نام عفو و گذشت نیز وجود دارد. حق عفو و گذشت همواره برای همه کسانی که حق قصاص دارند وجود دارد. اعمال این حق همواره مورد تأکید متون اسلامی قرار گرفته است. عفو و گذشت از جمله روش‌هایی است که مبتنی بر عدالت ترمیمی می‌باشد. مصالحه بین بزهکار و بزه‌دیده و برقراری ترتیبات جبران خسارت‌های اولیای دم از جمله مواردی هستند که همواره توسط عدالت ترمیمی مورد تأکید واقع می‌شوند.

#### ۴. نقش بزه‌دیده در اجرای مجازات قصاص اعضا

اجرای مجازات قصاص عضو با توجه به آنکه خود بزه‌دیده زنده می‌باشد، منوط به تقاضای بزه‌دیده است و اوست که می‌تواند بزهکار را عفو کند و یا درخواست اجرای مجازات قصاص کند.<sup>۱</sup> بزه‌دیده می‌تواند معوض یا غیر معوض و یا مشروط یا منجز عفو کند (نیازی آبکوه و

۱. ماده ۷۶: «اشخاص ذیل می‌توانند اجرای قصاص عضورا درخواست کنند:

الف - مجنی علیه یا ورثه او؛

ب - ولی قهری افراد مذکور در بند «الف» در صورتی که صغیر یا مجنون باشند؛

پ - وصی تعیین شده از سوی ولی قهری در صورتی که مجنی علیه یا ورثه وی صغیر یا مجنون باشند و ولی قهری نیز نداشته باشند؛

ت - رئیس قوه قضاییه یا فرد مآذون از طرف ایشان با رعایت ماده (۳۵۶) قانون مجازات اسلامی؛ در صورتی که افراد مذکور صغیر یا مجنون باشند و ولی قهری و وصی نیز نداشته باشند.

ابوثیه، ۱۳۹۴؛ ۹). در این میان نیز، مجدداً سخن از آموزه‌های عدالت ترمیمی به میان می‌آید. در صورت دستیابی به یک توافق همه جانبه، هم بزه‌دیده به همه حق و حقوق خود می‌رسد و هم بزه‌کار از کرده خود پشیمان خواهد شد. به همین دلیل است که مطابق ماده ۷۷ آیین نامه قاضی اجرای احکام موظف است پیش از اجرای حکم قصاص عضو طرفین را به مصالحه دعوت نماید.<sup>۱</sup> به همین دلیل است که قبل از اجرای حکم، قاضی اجرای احکام پرونده را به شورای حل اختلاف ارجاع می‌دهد.

برنامه‌های عدالت ترمیمی به این شیوه در قانون ایران بازتاب یافته‌اند. چنین میانجیگری‌هایی سبب خواهند شد تا بزه‌دیده مستقیماً در فرایند اجرای حکم مشارکت کند. در برنامه‌های عدالت ترمیمی دخالت همه طرفین دعوا، به خصوص بزه‌دیده در رسیدن به آرامش و صلح شرط است. به موجب این برنامه‌ها، خود بزه‌دیده و بزه‌کار در خصوص چگونگی دستیابی به یک راه حل تلاش می‌کنند. ارجاع پرونده به شورا و میانجیگری مهم‌ترین شیوه عدالت ترمیمی برای رسیدن به یک راه حل کار آمد است (نوربخش و والی زاده، ۱۳۹۶؛ ۱).

همانند اجرای قصاص نفس که حضور حداقل یک نفر از اولیای دم اجباری بود مطابق ماده ۸۰ آیین نامه نیز هنگام اجرای مجازات قصاص عضو، مجنی علیه یا قائم مقام قانونی یا وکیل او الزامی است.<sup>۲</sup> همچنین بزه‌دیده مطابق ماده ۹۱ آیین نامه خود نیز می‌تواند

---

تبصره - قیم نمی‌تواند در خصوص حق قصاص برای افراد تحت قیمومت اتخاذ تصمیم کند؛ مگر با اذن و تنفیذ دادستان.»

۱. ماده ۷۷: «قاضی اجرای احکام کیفری موظف است پیش از اجرای قصاص عضو طرفین را به سازش توصیه کند.»  
۲. ماده ۸۰: «هنگام اجرای مجازات قصاص عضو حضور قاضی اجرای احکام کیفری، پزشک قانونی، مجنی علیه یا قائم مقام قانونی و یا وکیل وی ضروری است. در صورت عدم حضور مجنی علیه یا قائم مقام وی یا عدم معرفی وکیل با نماینده برای اجرای قصاص عضو، اجرای حکم به تاخیر می‌افتد و چنانچه اشخاص مذکور در مرتبه دوم نیز بدون عذر موجه حاضر نشوند در صورتی که محکوم در بازداشت باشد، با اخذ تأمین متناسب آزاد می‌شود؛ مشروط بر آن که به جهت دیگری بازداشت نباشد.»

مجری اجرای قصاص عضو شود.<sup>۱</sup> البته در این خصوص باید از پزشک استعلام شود. در صورتی که پزشک نظر دهد اجرای بزه‌دیده می‌تواند یک اجرای مجازات صحیح باشد و این قصاص به اعضای دیگر مرتکب اثر نمی‌گذارد، بزه‌دیده می‌تواند راسا اقدام به اجرای مجازات قصاص عضو نماید. همچنین پیوند زدن یا نزدن عضو قطع شده بزه‌کار، از حقوق بزه‌دیده است. اگر بزه‌دیده رضایت بدهد، بزه‌کار می‌تواند اقدام به پیوند عضو خود کند و در غیر این مطابق ماده ۹۲ آیین‌نامه این امکان برای فرد قصاص شده وجود ندارد.<sup>۲</sup>

### ۵. نقش بزه‌دیده در وصول دیه

در اثر ارتکاب برخی از جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص پرداخت دیه الزامی می‌شود. ویژگی‌های دیه که در پرداخت دیه وجود دارد سبب شده است تا با سایر جرایم متفاوت باشد. دیه از سوی شارع مقدس تعیین شده است. دیه هم در جنایات عمدی و هم در جنایات غیر عمدی وجود دارد (نیازی آبکوه و ابوئی، ۱۳۹۴؛ ص ۱۰-۱۱). اخذ دیه به طور کلی مبتنی بر اراده بزه‌دیده است. به همین دلیل است که ماده ۹۷ آیین‌نامه به توافقات طرفین

---

تبصره - محکوم به دستور قاضی اجرای احکام کیفری و توسط نیروی انتظامی تحت الحفظ به محل اجرای حکم اعزام می‌شود. نظارت بر صحت اجرا و رعایت تشریفات لازم با قاضی اجرای احکام کیفری است.»

۱. ماده ۹۱: «در صورتی که صاحب حق قصاص متقاضی مباشرت در اجرای قصاص باشد، قاضی اجرای احکام کیفری نظر پزشکی قانونی را در این باره استعلام می‌کند. چنانچه پزشک قانونی اجرای صحیح قصاص توسط صاحب حق قصاص بدون بیم سرایت به نفس و عضو دیگر را ممکن بداند، قاضی اجرای احکام کیفری مقدمات اجرای قصاص توسط صاحب حق را فراهم می‌کند و در غیر این صورت نظر پزشک قانونی دایر بر بیم سرایت به نفس و عضو دیگر را به صاحب حق قصاص اعلام می‌کند. در این صورت اجرای قصاص منوط به آن است که صاحب حق قصاص به فردی که توانایی اجرای صحیح آن را دارد نیابت در اجرای قصاص دهد؛ در صورت عدم اعطای نیابت طبق ماده (۸۰) آیین‌نامه اقدام می‌شود.»

۲. ماده ۲۰: «محکوم به قصاص عضو پس از اجرای حکم نمی‌تواند نسبت به پیوند عضو قطع شده خود اقدام کند؛ مگر در صورت رضایت صاحب حق قصاص یا اقدام وی به پیوند عضو موضوع جنایت.»

اشاره می‌کند.<sup>۱</sup> برخی از نویسندگان، ماهیت دیه را ترمیمی دانسته‌اند. همان‌گونه که مورد تاکید قرار گرفت، عدالت ترمیمی درصدد جبران خسارات و ترمیم وضعیت به وجود آمده است. دیه حق شخصی مجنی علیه یا اولیای دم اوست و در صورت تقاضای آنان باید از جانب مرتکب پرداخت گردد.<sup>۲</sup> همچنین در صورت گذشت و یا ابرای آنان پرونده مختومه می‌گردد و پرداخت آن فاقد موضوع تلقی می‌گردد. همچنین بزه دیده می‌تواند به دریافت مبلغی کمتر از مبلغ دیه با بزه‌کار تراضی نماید و هیچگونه مانعی بر سر توافقات با بزه‌کار وجود ندارد.

---

۱. ماده ۹۷: «چنانچه محکوم صرفاً به پرداخت دیه محکوم شده باشد، قاضی اجرای احکام کیفری وی را احضار و زمان حال شدن دیه، مبلغ دقیق نحوه پرداخت و امکان توافق با محکوم له به نحو دیگری را وفق ماده (۴۸۸) قانون مجازات اسلامی به او تفهیم می‌کند. در صورت توافق طرفین بر نحوه پرداخت، قاضی اجرای احکام کیفری با لحاظ مفاد توافق اقدام و پرونده را در وقت نظارت قرار می‌دهد و در غیر این صورت در اجرای ماده (۴۸۹) پرونده را تا زمان حال شدن دیه جنایت عمدی و یا تا یک سال پس از زمان وقوع جنایات شبه عمد و خطای محض در وقت نظارت قرار می‌دهد. در صورتی که محکوم در اجرای قرار تامین کیفری در بازداشت باشد، قاضی اجرای احکام کیفری در اجرای مواد (۵۰۷) و (۵۰۸) قانون آیین دادرسی کیفری اقدام لازم را به عمل می‌آورد.»

۲. ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی: «دیه، حسب مورد حق شخصی مجنی علیه یا ولی دم است و احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان را دارد. ذمه مرتکب جز با پرداخت دیه، مصالحه، ابراء و تهاجر، بری نمی‌گردد. تبصره - ورثه مقتول به جز بستگان مادری به نسبت سهم الارث از دیه مقتول نیز ارث می‌برند.»

## نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، شاهد آن هستیم که مطالعات مربوط به شناخت بزه‌دیده در حال افزایش است. بزه‌دیده یکی از ارکان وضعیت پیش‌جنایی می‌باشد که در تصمیم‌گیری بزه‌کار برای تبدیل فکر مجرمانه به عمل مجرمانه نقش مهمی را ایفا می‌کند. توجه به نقش بزه‌دیده در فرایند دادرسی و به خصوص در مرحله اجرای حکم اهمیت بسیار زیادی دارد. گاهی مصلحت بزه‌دیده ایجاب می‌کند که اختیار اجرای مجازات در سلطه وی باشد تا بتواند با ارزیابی شرایط و موقعیت خود در خصوص اجرا یا عدم اجرای مجازات تصمیم‌گیری کند. مجازات‌هایی مانند قصاص، دیه و برخی از حبس‌های تعزیری کاملاً در تسلط بزه‌دیده می‌باشند. برخی از جرایم علاوه بر آنکه صدمات مادی برای بزه‌دیده دارند، صدمات معنوی نیز دارند. گاهی ممکن است بزه‌دیده برای حفظ آبروی خود ترجیح دهد تا مجازات اجرا نشود. این حق برای بزه‌دیده باید محفوظ بماند که هنگامی که تشخیص داد اجرای مجازات در تعارض با حقوق و منافع شخصی او می‌باشد، بتواند از اجرای مجازات جلوگیری به عمل آورد. لازم به ذکر است که این نقش در جرایمی که جنبه خصوصی دارند و واجد جنبه حق‌الناسی هستند پررنگ‌تر می‌باشد.

ایفای نقش فعال در مرحله اجرای حکم برای بزه‌دیده بسیار حائز اهمیت است. با وقوع یک جرم، ممکن است بزه‌دیده مال، حیثیت و آبروی خود را از دست رفته بداند. گاهی ممکن است یک بزه‌دیده تنها از طریق اجرای مجازاتی مانند قصاص حق خود را بازگشته بپندارد و گاهی نیز با تعامل با بزه‌کار از طرق دیگری حق خود را باز می‌ستاند. در مرحله اجرای بهره‌جستن از آموزه‌های عدالت ترمیمی بسیار ارزشمند است. بزه‌دیده طی یک سری ملاقات‌ها با بزه‌کار می‌تواند به بهترین نحو ممکن حقوق خود را باز ستاند و اوضاع را به وضع سابق برگرداند.

همان طور که آیین نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین مورد بررسی قرار گرفت، در مجازات‌های قصاص و دیه، بزه‌دیده مورد حمایت و توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. در مجازات‌های قصاص و دیه بزه‌دیده دارای حقوقی اساسی در اجرای مجازات است. این حقوق آنچنان تاثیر گذار هستند که اگر بزه‌دیده از حق اجرای مجازات منصرف شود، پرونده مختومه و از جریان رسیدگی خارج می‌شود. به نظر می‌رسد با درکنار هم قرار دادن قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری و آیین نامه نحوه اجرای مجازات‌های بدنی بتوان به اهداف مطلوب این پژوهش دست یافت چرا که در تمامی این قوانین علی‌الخصوص آیین نامه نحوه اجرای محکومیت‌های سالب حیات به عدالت ترمیمی به طور خاص توجه شده است. لکن مشکل در نحوه اجرای رهیافت‌های عدالت ترمیمی است. اگر برنامه‌های میانجیگری فی ما بین بزه‌کار و بزه‌دیده به درستی صورت پذیرد، طرفین خود به سمت عدالت حرکت می‌کنند. به نظر می‌رسد باید شرایطی فراهم گردد که نشست‌های خانوادگی و محلی در رابطه با جرایمی که مجازاتی سخت دارند، برگزار گردد. در چنین نشست‌هایی خانواده‌ها و مردم می‌توانند نقش تسهیل کننده‌ای را بازی کنند. با به وجود آمدن این شرایط هزینه و وقت کمتری از سمت قوه قضاییه صرف حل و فصل دعاوی می‌گردد و بزه‌دیده می‌تواند تا آخرین لحظه اجرای عدالت، نقشی موثر داشته باشد.

## منابع و مأخذ

### الف- منابع فارسی

#### آیین نامه

آیین نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین مصوب ۱۳۹۸/۳/۲۶.

#### قوانین

قانون اساسی

آیین دادرسی کیفری

قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲

#### کتابها

برجس، آن ولبرت؛ رگر، چریل؛ آر رابرتس، آلبرت؛ ترجمه ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۵). «بزه‌دیده‌شناسی، نظریه‌ها و کاربردها»، انتشارات میزان، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۵، تهران. حاجی ده‌آبادی، محمد علی (۱۳۹۸). «جرم‌شناسی کاربردی»، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، چاپ سوم، قم.

دبلیو. وان نس، دنیل؛ هندرسون، کارن؛ ترجمه پیلووار، حمید (۱۳۹۷). «مقدمه‌ای بر عدالت ترمیمی»، نشر میزان، چاپ اول، تهران. طالع زاری، علی؛ حبیبی، فرزانه (۱۳۹۶). «بزه‌دیده در نظم نوین کیفری»، انتشارات کتاب آوا، چاپ اول، تهران.

کاریو، روبی، ترجمه سید اصفهانی، سید حسام‌الدین (۱۴۰۱). «بزه‌دیده‌شناسی، از گسستن پیوند بین اشخاص تا ترمیم اجتماعی»، نشر میزان، چاپ اول، زمستان ۱۴۰۱، تهران. کلونجر، شلی؛ اناوارو، جورد؛ مارکوم، کاترین؛ هیگینز، جرج؛ ترجمه بشیریه، طهمورث؛ رایجان اصلی، مهرداد (۱۴۰۲). «شناخت بزه‌دیده‌شناسی»، نشر نگاه معاصر، چاپ اول، تهران.

## مقالات

آشوری، محمد؛ خدادی، ابوالقاسم (۱۳۹۰). «حقوق بنیادین بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره جدید، شماره ۲، صص ۳-۳۶.

اختری، عباس؛ موذن زادگان، حسنعلی (۱۳۹۸). «جایگاه بزه‌دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی از منظر قانون آیین دادرسی کیفری ایران»، پژوهش حقوق کیفری، سال هفتم، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۸، صص ۷۳-۴۱.

بیات، شیرین؛ خالقی علی (۱۴۰۱). «بررسی جایگاه زنان بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری با رویکردی تطبیقی»، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۱۶۴-۱۴۱.

حسینی، سید حسین؛ موسوی بایگی، سید علی (۱۳۹۲). «بررسی بازخوردهای متفاوت تقنینی در حوزه جرایم اطفال و نوجوانان»، کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکاری و بزه دیدگی کودکان و نوجوانان، بهمن ۱۳۹۲، ص ۵.

خداخواه، نسیم (۱۳۹۷). «حقوق بزه‌دیده و متهم در دیوان کیفری بین‌المللی»، فصلنامه داخلی کانون وکلادادگستری، شماره ۱۷، صص ۱۴۹-۱۶۵.

صالحی، جواد (۱۳۹۴). «آثار بزه‌دیده‌شناسی بر حق مشارکت بزه‌دیده در تحقیقات مقدماتی در پرتو رویه دیوان بین‌المللی کیفری»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۲، شماره ۵۲، صص ۲۵۵-۲۷۶.

زینالی، امیر حمزه، مقدسی، محمد باقر (۱۳۹۲). «رویکرد تطبیقی به نقش و جایگاه بزه‌دیده در فرایند کیفری، آموزه‌های حقوق کیفری»، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۵، صص ۱۸۱-۲۱۰.

شیری، عباس (۱۳۹۷). «حق بزه‌دیده در تعیین کیفر و نحوه اجرای آن»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی، شماره ۸۱، بهار ۱۳۹۷، صص ۷۷-۱۰۵.

فتاح، عزت؛ خطاطان، سوسن؛ نجفی ابرند آبادی، حسین علی (۱۳۷۱). «از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده (ضرورت یک تغییر بنیادی در سیاست جنائی کنونی)»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۵۶، شماره ۳، فروردین ۱۳۷۱، صص ۱۱۲-۸۵.

کوشا، جعفر؛ پاک نیت، مصطفی (۱۳۹۳). «توازن میان حقوق متهم و بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی»، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و یکم، شماره ۹۷، بهار ۱۳۹۶.

میرکمالی، سید علیرضا (۱۳۹۴). «نقش بزه‌دیده در حقوق کیفری انگلستان»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۶، نیمسال دوم، صص ۱۶۱-۱۸۰.

نیازی آبکوه، مهشید؛ ابوئی، فخرالدین (۱۳۹۴). «بزه‌دیده‌شناسی در مبانی علم حقوق»، اولین کنفرانس حقوق و امور قضایی، مرکز همایش‌های تلاش، تهران.

نوربخش، سیدمحمدامین، و والی زاده، سیده سمیه (۱۳۹۶). «جرم‌شناسی عدالت ترمیمی». کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی.  
SID. <https://sid.ir/paper/897151/fa>

نوبهار، رحیم؛ صفاری، فاطمه (۱۳۹۵). رعایت مصالح بزه‌دیده در جرم انگاری، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتادم، شماره ۹۳، صص ۲۱۷-۲۴۲.

### ب- منابع خارجی

Barbara F.Toboliwsky,taryn ozuna Allen (2016), **On the fast track; Understanding the opportunities and challenges of dual credite**, ashe higher education report; volume 42. Number 3.

Baumgartner (2008), **Future-oriented emotions: conceptualization and behavioral effects**, <https://onlinelibrary.wiley.com/journal/10990992>.

damask,mirjan(2008), **what is the pant of international criminal ustice?**,chi cago-krnt law review.vol.83.

Cummins , The Hon. Philip AM, **The Role of Victims of Crime in the Criminal Trial Process REPORT** Youth Crime Briefing, June, <http://www.nacro.org.uk/data/briefings/nacro-2002060300-ycs.pdf>,AUGUST 2016.

Hepner, Ilana; Woodward, Mary; and Jeanette Stewart, **“Giving the Vulnerable a Voice in the Criminal Justice System: The Use of Intermediaries with Individuals with Intellectual Disability”**, Psychiatry, Psychology and Law, Vol. 22, Issue 3, 2014.

Lopez (2007), **Immigration Law Spanish-Style: A Study of Spain's Normalization of Indocumented Workers**, 21 Geo. Immigr. L.J. 571 (2006-2007).